



مناجات شعبانیه؛ راز و نیاز خاضعانه مخلوق با خالق

مناجات شعبانیه راز و نیاز خالصانه و عاشقانه مخلوق با خالق است و در آن ضمن طلب مغفرت، عزت، آمرزش و بخشش، دستیابی به حوائج دنیوی و و بویژه اخروی، در قالب جملاتی زیبا و دلنشین از خداوند متعال طلب شده است.

مناجات شعبانیه راز و نیاز خالصانه و عاشقانه مخلوق با خالق است و در آن ضمن طلب مغفرت، عزت، آمرزش و بخشش، دستیابی به حوائج دنیوی و و بویژه اخروی، در قالب جملاتی زیبا و دلنشین از خداوند متعال طلب شده است .
بسم الله الرحمن الرحيم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ اسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا تَجَيَّيْتُكَ

خدایا بر پیامبر و خاندان پاکش درود فرست، و آنگاه که تو را می‌خوانم و صدایت می‌زنم، صدا و دعایم را بشنو و اجابت کن و آنگاه که با تو نجوا می‌کنم، بر من عنایت کن.

فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَكِينًا لَكَ مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ رَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ ثَوَابِي

من از همه به سوی تو گریخته و در پیشگاه تو ایستاده‌ام، در حالی که دلشکسته و نالان درگاه توأم و به پاداش تو امیدوار.

وَ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَ تَحْبُرُ حَاجَتِي وَ تَعْرِفُ ضَمِيرِي وَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَمْرٌ مُتَقَلِّبِي وَ مَتَوَايَ وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أُبْدِيَ بِهِ مِنْ مَنَاطِقِي وَ أَتَقَوِّهِ بِهِ مِنْ طَلِبَتِي وَ أَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِي

آنچه را در دل من می‌گذرد می‌دانی، از نیاز من آگاهی، ضمیر و درونم را می‌شناسی و فرجام و سرانجام زندگی و مرگم از تو پنهان نیست. آنچه را که می‌خواهم بر زبان آورم و از خواسته‌ام سخن بگویم و به حسن عاقبتم امید بندم، همه را می‌دانی.

وَ قَدْ جَرَتْ مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ يَا سَيِّدِي فِيمَا يَكُونُ مِنِّي إِلَى آخِرِ عُمْرِي مِنْ سَرِيرَتِي وَ عَلَانِيَتِي وَ بَيْدِكَ لَا يَبِيدُ غَيْرُكَ زِيَادَتِي وَ نَقْصِي وَ نَقْصِي وَ ضَرِّي

در آنچه تا پایان عمرم و از نهان و آشکارم خواهد بود، قلم تقدیرت نافذ و جاری است و افزونی و کاهشم و سود و زیانم، تنها به دست توست.

إِلَهِي إِنْ حَرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْزُقُنِي وَ إِنْ حَذَلْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُنِي

خدایا اگر محروم سازی، کیست که روزیم دهد؟ و اگر خوارم کنی، کیست که یاریم کند؟

إِلَهِي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَضَبِكَ وَ حُلُولِ سَخَطِكَ

خدایا از خشم و فرا رسیدن غضبت، به خودت پناه می‌آورم.

إِلَهِي إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعَتِكَ

خدایا اگر شایسته رحمت تو نیستم، تو سزاواری که رحمت گسترده‌ات را بر من عطا کنی.

إِلَهِي كَأَنِّي بِنَفْسِي وَاقِفٌ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ قَدْ أَظْلَمْتُ حُسْنُ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ فَقُلْتُ [فَفَعَلْتَ] مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ تَعَمَّدْتَنِي بِعَقُوكَ

خدایا گویا چنانم که در پیشگاه لطف تو ایستاده‌ام و سایه‌سار توکل نیکویم بر من بال گشوده و آنچه را تو شایسته آنی گفته‌ای و مرا

در هاله‌ای از بخشایش خویش پوشانده‌ای.

إِلَهِي إِنْ عَقَوْتُ فَمَنْ أَوْلَىٰ مِنْكَ بِذَلِكَ

خدایا اگر ببخشایی، کیست که از تو سزاوارتر به عفو باشد؟

وَإِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَ لَمْ يُدْنِنِي [يُدْنِ] مِنْكَ عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِقْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَ سَيِلْتَنِي

و اگر اجلم فرا رسیده و کار شایسته‌ای نداشته‌ام که مرا به تو نزدیک سازد، اعتراف به گناه را وسیله آمرزش تو ساخته‌ام.

إِلَهِي قَدْ جُرْتُ عَلَىٰ نَفْسِي فِي النَّظَرِ لَهَا فَلَهَا الْوَيْلُ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَهَا

خداوندا با مهلت و میدانی که به نفس داده‌ام، بر خویش ستم کرده‌ام، پس اگر مرا نیامرزی، وای بر من.

إِلَهِي لَمْ يَزَلْ بَرْكَ عَلَىٰ أَثَامَ حَيَاتِي فَلَا تَقْطَعْ بَرْكَ عَنِّي فِي مَمَاتِي

خدایا همواره در طول زندگی، از لطف و احسانت برخوردار بوده‌ام، پس از مرگ هم، لطف خویش از من دریغ مدار.

إِلَهِي كَيْفَ آيَسُ مِنْ حُسْنِ نَظَرِكَ لِي بَعْدَ مَمَاتِي وَ أَنْتَ لَمْ تُؤَلِّمْنِي [تُولِمْ] إِلَّا الْجَمِيلَ فِي حَيَاتِي

خدایا چگونه مأیوس باشم از اینکه پس از مرگ هم نگاه لطف و احسان تو بر من خواهد بود، در حالی که در طول حیاتم، با من جز احسان و نیکی نکرده‌ای.

إِلَهِي تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ

خدایا کار مرا آنگونه به سامان برسان که تو سزاوار آنی (نه آن سان که من در خور آنم).

وَ عُدْ عَلَيَّ بِقَضَائِكَ عَلَىٰ مُذْنِبٍ قَدْ عَمَرَهُ جَهْلُهُ

و با بزرگواریت، به من عنایت کن، بر گناهکاری که در جهل خویش فرو رفته است.

إِلَهِي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا وَ أَنَا أُحَوِّجُ إِلَىٰ سِتْرِهَا عَلَىٰ مِنْكَ فِي الْآخِرَةِ [إِلَهِي قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ] إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ فَلَا تَقْضِ حَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ رُءُوسِ الْأَشْهَادِ

در دنیا گناهانی را بر من پوشانده‌ای که در آخرت، نیازمندترم که پرده پوشش خود را بر آنها افکنی. چون گناهانم را پوشاندی و بر هیچ یک از بندگان شایسته‌ات فاش نساختی، بر من نیکی کردی، پس در روز قیامت نیز رسوای خلائقم مگردان.

إِلَهِي جُودُكَ بَسَطَ أَمْلِي وَ عَقُوكَ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِي

خدایا جود و بخشش تو، دامنه آرزوهایم را گسترده است و بخشایش تو برتر از عمل من است.

إِلَهِي فَسُرْنِي بِلِقَائِكَ يَوْمَ تَقْضِي فِيهِ بَيْنَ عِبَادِكَ

خدایا آن روز که میان بندگان به داوری می‌پردازی، با دیدار چهره رأفت‌خود، مسرورم ساز.

إِلَهِي اعْزِزْ لِي إِلَيْكَ اعْتِدَارُ مَنْ لَمْ يَسْتَعْنِ عَنْ قَبُولِ عُذْرِهِ فَاقْبَلْ عُذْرِي يَا أَكْرَمَ مَنْ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ الْمُسِيئُونَ

خدایا پوزش‌طلبی من به درگاهت، عذرخواهی کسی است که از عذرپذیری تو بی‌نیاز نیست، پس عذرم را بپذیر، ای کریمترین بزرگواری که زشتکاران به درگاهش عذر گناه می‌برند.

إِلَهِي لَا تُرُدْ حَاجَتِي وَ لَا تُحَيِّبْ طَمَعِي وَ لَا تَقْطَعْ مِنْكَ رَجَائِي وَ أُمْلِي

پروردگار من حاجت و نیازم را رد مکن و دست امید و آرزویم را از درگاه خویش، کوتاه مگردان.

إِلَهِي لَوْ أَرَدْتَ هَوَانِي لَمْ تَهْدِنِي وَ لَوْ أَرَدْتَ فَضِيحَتِي لَمْ تُعَافِنِي

خداوندا اگر می‌خواستی خواریم کنی، هدایت‌م نمی‌کردی. و اگر می‌خواستی رسوایم سازی، از عقوبت دنیا معافم نمی‌کردی.

إِلَهِي مَا أَطْنُكَ تَرُدُّنِي فِي حَاجَةٍ قَدْ أَقْنَيْتُ عُمُرِي فِي طَلِبِهَا مِنْكَ

خدایا باور ندارم که در حاجتی دست رد به سینه‌ام بزنی، حاجتی که عمر خویش را در پی آن گذراندم و عمری از تو طلبیدم.

إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ أَبَدًا أَبَدًا دَائِمًا سَرْمَدًا يَزِيدُ وَ لَا يَبِيدُ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى

خدایا ستایش ابدی و ثنای سرمدی تنها از آن توست، سپاسی همواره فزاینده و بی‌کم و کاست، آنگونه که تو دوست داری و می‌پسندی.

إِلَهِي إِنْ أَحَدْتَنِي بِجُرْمِي أَحَدْتُكَ بِعَقْوِكَ

خدایا اگر مرا به جرمم بگیری، دست به دامان عفو تو می‌شوم.

وَ إِنْ أَحَدْتَنِي بِذُنُوبِي أَحَدْتُكَ بِمَغْفِرَتِكَ

و اگر مرا به گناهانم مؤاخذه کنی، تو را به بخشایش بازخواست می‌کنم.

وَ إِنْ أَدَخَلْتَنِي النَّارَ أَعْلَمْتُ أَهْلَهَا أَتَى أَحْيَاكَ

اگر در دوزخم افکنی، به دوزخیان اعلام خواهم کرد که تو را دوست دارم.

إِلَهِي إِنْ كَانَ صَغَرُ فِي جَنْبِ طَاعَتِكَ عَمَلِي فَقَدْ كَبُرَ فِي جَنْبِ رَجَائِكَ أَمْلِي

خدایا اگر در کنار طاعتت، عملم کوچک است، امید و آرزویم بزرگ و بسیار است.

إِلَهِي كَيْفَ أَتَقَلَّبُ مِنْ عِنْدِكَ بِالْحَيَّةِ مَحْرُومًا وَ قَدْ كَانَ حُسْنُ ظَنِّي بِجُودِكَ أَنْ تَقْلِبَنِي بِالتَّجَاةِ مَرْحُومًا

خدایا از آستان تو چگونه تهیدست و محروم برگردم، با آنکه گمان نیک من نسبت به جود تو، آن است که نجات یافته و رحمت شده مرا باز گردانی.

إِلَهِي وَ قَدْ أَقْنَيْتُ عُمُرِي فِي شِرَّةِ السُّهُو عَنْكَ وَ أَبْلَيْتُ شَبَابِي فِي سَكْرَةِ التَّبَاعُدِ مِنْكَ إِلَهِي فَلَمْ أُسَيِّقِظْ أَيَّامَ اعْتِرَازِي بِكَ وَ رُغُونِي إِلَى سَبِيلِ سَخَطِكَ

خدایا عمرم را در رنج غفلت از تو تباه ساختم، جوانی‌ام را در سرمستی دوری از تو هدر دادم، خداوندا آن روزها که به کرم تو مغرور شدم و راه خشم تو را سپردم، از خواب غفلت بیدار نگشتم.

إِلَهِي وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ إِلَيْكَ

پروردگارا من بنده توأم و زاده بنده تو. در آستان بزرگیت ایستاده‌ام و کرمت را وسیله تقرب به حضور تو قرار داده‌ام.

إِلَهِي أَنَا عَبْدٌ أَتَصَلُّ إِلَيْكَ مِمَّا كُنْتُ أَوَاجِهُكَ بِهِ مِنْ قَلَّةِ اسْتِحْيَائِي مِنْ نَظَرِكَ وَ أَطْلُبُ الْعَقُوبَةَ مِنْكَ إِذِ الْعَقُوبَةُ نَعْتُ لِكِرَمِكَ

خدایا بنده‌ای زشتکارم که به عذرخواهی آمده‌ام، از نگاه تو شرم نداشته‌ام، اینک از تو بخشش می‌طلبم، چرا که عفو، صفت بزرگواری توست.

إِلَهِي لَمْ يَكُنْ لِي حَوْلٌ فَأَتَّقِلْ بِهِ عَنْ مَعْصِيَتِكَ إِلَّا فِي وَقْتٍ أُيَقِّظْتَنِي لِمَحَبَّتِكَ وَ كَمَا أَرَدْتَ أَنْ أَكُونَ كُنْتُ فَشَكَرْتُكَ بِإِدْخَالِي فِي كَرَمِكَ وَ لِتَطْهِيرِ قَلْبِي مِنْ أَوْسَاخِ الْعَقْلَةِ عَنْكَ

آفریدگارا توان آن نداشته‌ام که از نافرمانیت دست‌شویم، مگر آنگاه که به عشق و محبت‌خویش بیدارم ساخته‌ای، یا آنگونه بوده‌ام که تو خود خواسته‌ای. تو را سپاس، که مرا در کرم خویش وارد کردی و دلم را از آلایشها و کدورت‌های غفلت از خودت را پاک نمودی.

إِلَهِي انْظُرْ إِلَيَّ تَنْظُرَ مَنْ نَادَيْتُهُ فَأَجَابَكَ وَ اسْتَعْمَلْتُهُ بِمَعُونَتِكَ فَأُطَاعَكَ

پروردگارا! مرا بنگر، نگاه آنکه ندایش دادی پس پاسخت گفت، و به طاعتش فراخواندی و به یاریش گرفتی پس مطیع تو گشت.

يَا قَرِيبَا لَا يَبْعُدُ عَنِ الْمُعْتَرِّ بِهِ وَ يَا جَوَادَا لَا يَبْخُلُ عَمَّنْ رَجَا ثَوَابَهُ

ای خدای نزدیک، که از مغروران و فریفتگان دور نیستی، ای بخشنده‌ای که نسبت به امیدواران جود و بخششت، بخل نمی‌ورزی،

إِلَهِي هَبْ لِي قَلْبًا يُدْنِيهِ مِنْكَ شَوْقُهُ وَ لِسَانًا يُرْفَعُ إِلَيْكَ صِدْقُهُ وَ تَنْظُرًا يُقَرِّبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ

خدایا! مرا قلبی بخش که شوق و عشق، به تو نزدیکش سازد، و زبانی عطا کن که صداقت و راستی‌اش به درگاهت بالا رود و نگاهی بخش، که حقیقتش، زمینه‌ساز قرب به تو گردد!

إِلَهِي إِنْ مَنِ تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرُ مَجْهُولٍ وَ مَنِ لَادَ بِكَ غَيْرُ مَحْذُولٍ وَ مَنِ أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ غَيْرُ مَمْلُوكٍ [مَمْلُولًا]

خدایا! آنکه به تو معروف گردد، ناشناخته نیست، آنکه به تو پناه آورد، خوار و درمانده نیست، و آنکه تو، به او روی عنایت آوری برده دیگری نیست،

إِلَهِي إِنْ مَنِ اتَّهَجَ بِكَ لِمُسْتَنْيِرٍ وَ إِنْ مَنِ اعْتَصَمَ بِكَ لِمُسْتَجِيرٍ وَ قَدْ لَذْتُ بِكَ يَا إِلَهِي فَلَا تُخَيِّبْ ظَنِّي مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لَا تُخْجِبْنِي عَنْ رَأْفَتِكَ

خدایا! آنکه از تو راه را یافت، روشن شد و آنکه پناهنده تو شد، پناه یافت، خداوند! من به تو پناه آورده‌ام، از رحمت‌خویش مایوس و محروم مساز و از رافت و مهربانیت محبوم مگردان.

إِلَهِي أَقِمْنِي فِي أَهْلِ وَلَايَتِكَ مُقَامَ مَنْ رَجَا الزِّيَادَةَ مِنْ مَحَبَّتِكَ

خداوند! در میان اولیاء خویش، مرا مقام کسی بخش که آرزوی محبت افزون‌تر تو را دارد.

إِلَهِي وَ أَلْهِمْنِي وَلَهَا بِذِكْرِكَ إِلَى ذِكْرِكَ وَ هِمَّتِي فِي رَوْحِ تَجَاحِ أَسْمَائِكَ وَ مَحَلِّ قُدْسِكَ

خدایا! مرا شیفته یاد خود ساز و همتم را در نشاط دستیابی به نامهایت و قرارگاه عظمت و قدست قرار بده.

إِلَهِي بِكَ عَلَيْكَ إِلَّا أَلْحَقْتَنِي بِمَحَلِّ أَهْلِ طَاعَتِكَ وَ الْمَتَوَى الصَّالِحِ مِنْ مَرْضَاتِكَ فَإِنِّي لَا أَقْدِرُ لِنَفْسِي دَفْعًا وَ لَا أَمْلِكُ لَهَا تَقَعًا

خداوند! تو را به خودت سوگند، که مرا به جایگاه اهل طاعت‌برسان و به منزلگاه شایسته و پسندیده خویش، رهنمون باش، که من، نه می‌توانم شری را از خویش دور سازم و نه سودی به خویش رسانم.

إِلَهِي أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الْمُذْنِبُ وَ مَمْلُوكُكَ الْمُتَّيِبُ [الْمُعِيبُ] فَلَا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ صَرَفَتْ عَنْهُ وَجْهَكَ وَ حَجَبَهُ سَهْوُهُ عَنْ عَقُوكَ

کردگارا! من، بنده ناتوان و گنهکار توام و برده عیبناک تو، که بسویت آمده‌ام. پس مرا از آنان مگردان که چهره لطف خویش از آنان برگردانده‌ای و اشتباهاتشان حجاب بخشایش تو گشته است.

إلهي هب لي كمال الاتقطاع إليك و أنر أبصار قلوبنا بضياء نظرها إليك حتى تحرق أبصار القلوب حجب الثور فتصل إلى معدن العظمة و تصير أرواحنا معلقة بعز قدسك

خدایا! مرا کمال گسستن از غیر و پیوستن به خودت عطا کن دیده دل‌هایمان را با فروغ نگاه به خود، روشن ساز تا دیده‌های بصیرت دل، حجابهای نور را از هم بر درد و به کانون عظمت برسد و جانهای ما آویخته درگاه عزت و قدس تو گردد.

إلهي و اجعلني ممن ناديت فأجابك و لاحظته فصعق لجلالك فتاجيته سراً و عمل لك جهراً

خدایا! مرا از آنان قرار ده که ندایشان کردی، پاسخ گفتند و نگاهشان کردی، مدهوش جلال تو گشت، با آنان، راز گفتمی و نجوا کردی، آشکارا برای تو کار کردند.

إلهي لم أسلط على حسن ظني قنوط الإياس و لا انقطع رجائي من جميل كريمك

خدایاندا هرگز نومیدی را بر حسن ظن خویش مسلط نساختم، و هرگز امیدم از کرم نیکو و زیبایی نگسسته است.

إلهي إن كانت الخطايا قد أسقطتني لدنك فاصح عني بحسن توکلي عليك

پروردگارا اگر گناهان مرا در پیشگاه تو خوار و پست کرده، پس به سبب توکل و اعتماد نیکویم به تو، از من درگذر.

إلهي إن حطتني الذنوب من مكارمك لطيفك فقد تبهني اليقين إلى كرم عطيفك

آفریدگارا اگر گناهان، مرا از لطف والای تو دور ساخته، اما یقین به کرم و عنایتت، آگاه و امیدوارم ساخته است.

إلهي إن أنامتني العقله عن الاستعداد للقاءك فقد تبهني المعرفة بكرم آلائك

خدایا اگر خواب غفلت، از آمادگی برای دیدارت، باز داشته، معرفت به نعمتهای ارجمندت، بیدارم داشته است.

إلهي إن دعاني إلى النار عظيم عقابك فقد دعاني إلى الجنة جزيل ثوابك

خدایاندا اگر عقوبت سنگین تو، به آتش دوزخم فرا می‌خواند، پاداش فراوانت، به بهشتم دعوت می‌کند.

إلهي فلك أسأل و إليك أبتهل و أزعب

آفریدگارا من از تو می‌خواهم و تنها به آستان تو دست نیاز برمی‌آورم و تو را خواستارم.

و أسألك أن تصلي على محمد و آل محمد و أن تجعلني ممن يديم ذكرك و لا ينقض عهدك و لا يعقل عن شكرك و لا يستخف بأمرك

از تو می‌خواهم که بر محمد و دودمانش درود فرستی و مرا از آنان قرار دهی که همواره به یاد تواند و پیمان تو را نمی‌شکنند و از سپاس تو غافل نمی‌شوند و فرمانت را سبک نمی‌شمرند.

إلهي و ألحقني بثور عزك الأبهر فأكون لك عارفا و عن سواك منحرفا و منك خائفا مراقبا

خدایا مرا به فروغ نشاط بخش عزت خود ببیوند تا تنها شناسای تو باشم و از غیر تو روی برتابم و تنها از تو ترسم و بیم تو داشته باشم.

يا ذا الجلال و الإكرام و صلى الله على محمد رسوله و آله الطاهرين و سلم تسليما كثيرا.

ای شکوهمند و بزرگوار! بر محمد و خاندان پاکش درود تو باد، و سلام بی‌پایان و بسیار.